

احمدعلی قانع*

**Religious Duties of Persistently Urinary Incontinent
Individuals in Islamic Jurisprudence**

*Ghane A.

Abstract

One of the problems that has existed for a long time is urinary incontinence. Currently many people in the world are affected with this problem and are suffering from it. Hence it is normal that these people should have special religious concerns in various fields such as: their bodily sanctification, the cleanness of their clothes, preserving their ablution and performing their obligatory and voluntary prayers, touching Holy names and Quranic verses, participating in the Congregational Prayer and Friday prayers, becoming a pilgrim and performing its rites, Tawaf and Tawaf prayer, etc. By referring to relevant traditions and verdicts of current and earlier sources of imitation, we have tried to briefly explain the duties of one who has urinary incontinence.

The fundamentals that are seriously considered by traditions and fatwas are: 1) the theme of the Quranic verse "Allah does not impose upon any soul a duty but to the extent of its ability", [2 AL-BAQARA:286]; 2) the rule that doing the things that are easy and feasible are not exempted because of those that are difficult or impossible. Anyhow, an incontinent person has heavier duties compared to healthy people. It is a kind of calamity that exists in the world and if the one who suffers from this problem has patience and does his/her duties very well, Allah will reward him/her boundlessly.

Keywords: Jurisprudential Rulings, Persistent Urinary Incontinence, Prostate Cancer, Urinary System Disorders.

چکیده

یکی از بیماری‌هایی که از زمان‌های دور وجود داشته، مسئله بی‌اختیاری در ریزش ادرار و به عبارت دیگر «سلس‌البول» بودن است. این بیماری در حال حاضر افراد بیشتری را مبتلا کرده و طبیعی است که این افراد در مورد نجاست و پاکی بدن و لباس خود، در مورد تطهیر روحی یعنی وضو و به‌جا آوردن نمازهای واجب و مستحب، تماس با اسماء مقدس و آیات قرآن کریم، شرکت در نمازهای جمعه و جماعات، مُحَرَم شدن و انجام اعمال عبادی طواف و نماز طواف و... دارای احکام ویژه‌ای هستند. در این مقاله تلاش شده با مراجعه به روایات مربوطه و نیز فتاوی مراجع معظم تقلید گذشته و معاصر، به‌طور خلاصه وظایف مختلف فرد سلس‌البول را نقل کنیم. مبانی‌ای که در روایات و فتاوی مورد توجه جدی قرار گرفته، یکی مضمون آیه شریفه «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» [بقره: ۲۸۶]، یعنی خداوند هیچ‌کسی را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند؛ و دیگری قاعده «المیسور لا یسقط بالمعسور» یعنی انجام آنچه آسان و ممکن است به خاطر آنچه سخت و دشوار است ساقط نمی‌شود؛ بوده است. به‌هرصورت، فرد سلس‌البول نسبت به یک فرد سالم وظیفه‌ای سخت‌تر دارد و این مصداق یکی از بلاهایی است که در دنیا وجود دارد و اگر دارنده آن صبر کند و وظیفه‌اش را به خوبی انجام دهد، مصداق صابران خواهد بود که اجرشان را خداوند به غیرحساب می‌دهد.

کلیدواژه: احکام فقهی، بی‌اختیاری ادرار، اختلال سیستم ادراری، سرطان پروستات، سلس‌البول

Accepted: 6/6/2013

Received: 16/4/2013

پدیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۱۴

دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۲۷

*دکترای فقه و اصول، استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. *آدرس نویسنده مسئول: تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد؛ *تلفن: ۸۸۰۹۴۰۰۱ (۰۲۱)، داخلی ۲۸۱؛ *رایانامه: ghane@gmail.com

*Islamic Jurisprudence Ph.D., Assistant Professor at Imam Sadiq University, Tehran, Iran. *Author's Address: Imam Sadiq University, Tehran, Iran; *Tel: +98 (21) 88094001; *E-mail: 4ghane@gmail.com

مقدمه

امکان مسلوس شدن موقتی و یا دائمی برای بسیاری از افراد در حال حاضر وجود دارد. اگر به مراکز پزشکی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، مطب پزشکان و... سری بزنید با کثرت افرادی مواجه می‌شوید که با بیماری‌هایی مثل دردهای مزمن لگن، پرولاپس لگن، بیماری‌های سیستم تنفسی، اختلالات قاعدگی، اختلالات سیستم ادراری، جراحی لگن، چاقی، بیماری‌های کلیوی، قلب، اعصاب، سرطان پروستات و انواع سرطان‌ها و... دست‌به‌گریبانند.

احتمالاً آمار بیماری‌های یادشده در گذشته کمتر بوده و با توجه به کمی امکانات پزشکی و نیز ضعف مالی افراد، کمتر سراغ معالجه خود می‌رفته‌اند و چه بسا بسیاری از بیماران، درحالی‌که به‌طور دقیق و آشکار از بیماری خود مطلع نبوده‌اند، فوت شده‌اند.

پیشرفت علم و فن‌آوری از یک طرف، و متمول‌تر شدن اقشار مردم خصوصاً در کشوری مثل جمهوری اسلامی ایران، این وضعیت را تغییر داده و افراد را سریع‌تر و بیشتر سراغ پزشکان و بیمارستان‌ها می‌فرستد. زیادشدن بیماری‌ها به دلیل آلودگی هوا، مصنوعی شدن و غیرطبیعی بودن غذاها، افزایش اضطراب‌ها در زندگی، عدم تحرک و کم‌شدن کار بدنی و در یک کلام ماشینی شدن زندگی، طرف دیگر ماجراست. اگر در گذشته بیماری «سلس البول بودن» یعنی بی‌اختیاری در خروج ادرار و قطره قطره آمدن بدون اراده ادرار، به افراد خاص و ویژه‌ای تعلق داشت؛ هم‌اکنون این بیماری به‌طور موقت یا دائم سراغ اقشاری از بیماران آمده که می‌توان آن‌ها را به دو دسته موقت و دائم تقسیم نمود:

سلس البول موقت: الف) نظیر تمام کسانی که جراحی‌های مهمی مثل جراحی مغز یا قلب و... انجام می‌دهند حداقل برای مدت یک شبانه روز از انجام حرکت و رفتن به توالت محرومند و خارج ساختن ادرار آن‌ها توسط لوله‌ای به اسم «سوند» انجام می‌شود که با اتصال سوند به بدن بیمار اختیار جسمی ادرار از او کنار می‌رود و بدون اختیار ادرار خارج می‌شود و بیمار در این مدت سلس البول شده و حکم او را پیدا می‌کند. ب) بسیاری از افراد مبتلا به بیماری‌های کلیوی، اعم از کسانی که عمل جراحی یا پیوند کلیه را انجام می‌دهند

و یا برخی انواع دیگر این بیماری رو به افزایش در جوامع بشری، در ایام اقامت در بیمارستان و حتی در خانه به توصیه و امر پزشکان موظف به استفاده از سوند هستند.

سلس البول دائم: نظیر آن دسته از مبتلایان به بیماری پروستات (خود انواع و اقسامی دارد)، که برای معالجه مجبور به عمل جراحی می‌شوند، برای هفته‌ها و ماه‌ها و برخی برای همیشه تا آخر عمر، چه در ایامی که از سوند استفاده می‌کنند و چه بعد از آن، برای مدت موقت یا دائم نمی‌توانند اختیار ادرار خود را داشته‌باشند.

انسان مکلف، در هیچ زمانی تکالیف و وظایف الهی از گردن او ساقط نمی‌شود؛ تا جان در بدن دارد همواره برای تعالی و ترقی جسم و جان، مخاطب حضرت حق (جلّ و علی) است و وظایف مختلفی را عهده‌دار است (۱). برخی وظایف مثل نماز در هیچ حالی از انسان ساقط نمی‌شود «لا یتْرک الصلوة بحال» حتی انسانی که در حال غرق شدن است و وظیفه انجام نماز از او ساقط نمی‌شود (۲). لذا در این تحقیق برآنیم تا وظایف مختلف این‌گونه افراد را براساس روایات معصومان علیهم السلام و نصوص فقهی و فتاوی مراجع عظام تقلید بازخوانی کرده، مجموعه آن‌ها را در این مقاله گردآوریم. یادآوری می‌شود دو بیماری «سلس الریح» و «مبطون بودن» نیز احکامی شبیه سلس البول را دارند.

مروری بر روایات پیرامون این مسأله

همان‌گونه که در مقدمه یادآور شدیم این بیماری در گذشته زمان بسیار کم و نادر بوده لذا سؤال‌کنندگان از حکم این دسته از بیماران در محضر رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بسیار کم و اندک بوده‌اند. و بالتبع روایات مسئله نیز کم و انگشت‌شمار است. اما چند روایت مشهور است:

روایت اول:

عن حریز بن عبدالله عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: اذا کان الرجل یقطر منه البول و الدم اذا کان حین الصلوة اخذ کیساً و جعل فیه قطناً ثم علقه علیه و أدخل ذکره فیه ثم صلی یجمع بین صلاتین الظهر و العصر،

یؤخر الظهر و یعجل العصر بأذان و اقامتین و یؤخر المغرب و یعجل العشاء بأذان و اقامتین و یفعل ذلک فی الصبح.

ترجمه: حریر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند: مردی که بول از او قطره قطره می آید برای نماز خواندن لازم است پنبه‌ای را داخل کیسه‌ای قرار داده و برخورد بیاویزد و آلت تناسلی خود را در آن کیسه قرار دهد (تا نجاست به جاهای دیگر بدن و لباس سرایت نکند) و با تأخیر انداختن نماز ظهر و جلو انداختن نماز عصر، این دو نماز را با هم بخواند و همین کار را در مورد نمازهای مغرب و عشاء با خواندن یک بار اذان و دو بار اقامه (برای هر نماز یک اقامه) انجام دهد و در مورد نماز صبح هم همین کار را بکند (۳).

چند نکته در مورد این روایت قابل ذکر است:

الف) در فقه اسلام نمازها را در پنج وقت یعنی در اوقات فضیلت خواندن بهتر است. کاری که ما شیعیان انجام می‌دهیم و معمولاً میان دو نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را جمع می‌کنیم از نظر فقهی جایز است ولی استحباب در خواندن نمازها در پنج وقت است (۱). اما در این روایت برای کسی که مشکل بی‌اختیاری ادرار دارد برای اینکه به سختی و حرج نیفتد، امام علیه السلام فرموده‌اند وضو بگیرد و هر دو نماز را با هم بخواند؛ یعنی از انجام عمل مستحبی خواندن نمازها در اوقات فضیلت آن‌ها برای رفع این سختی و حرج چشم‌پوشی کند.

ب) گفتن اذان و اقامه برای هر نماز از سنت‌های نماز و از امور مستحب مؤکد است. تا جایی که برخی از فقها آن دو را واجب دانسته‌اند (۴). تا جایی که علی‌رغم حرمت شکستن نماز، اگر کسی اذان و اقامه را فراموش کند و وارد نماز شود حق دارد برای درک ثواب این دو، نماز را بشکند و برگردد و اذان و اقامه را بگوید (۵). اما در مسئله مورد بحث که میان دو نماز جمع می‌شود اذان نماز دوم ساقط می‌گردد.

روایت دوم:

عن منصور بن حازم قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام: الرجل یعتبره البول و لایقدر علی حبسه، قال: فقال لی: اذا لم یقدر علی حبسه فالله أولى بالعدر، یجعل خریطة.

منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که نمی‌تواند ادرار خود را نگه‌دارد سؤال می‌کند. حضرت فرمودند: اگر نمی‌تواند، خدا عذرش را می‌پذیرد او باید پارچه‌ای را در موضع قرار دهد [تا نجاست به جاهای دیگر بدن و لباس سرایت نکند] (۳). روایت سوم:

عن الحلبي عن أبي عبد الله علیه السلام قال: سئل عن تقطیر البول، قال: یجعل خریطة اذا صلی. حلبي از امام صادق علیه السلام در مورد فرد سلس البول سؤال می‌کند. می‌فرماید: پارچه‌ای را به هنگام نماز در موضع قرار دهد (۳).

چند ملاحظه پیرامون این دو روایت:

الف) در روایت دوم سؤال از مردی است که مشکل بی‌اختیاری دارد. باید گفت اگرچه این بیماری به‌خاطر بیماری‌هایی مثل پروستات بیشتر به سراغ مردان می‌آید. اما با توجه به آنچه در مقدمه مقاله بیان شد، خانم‌ها نیز گاه مبتلا به این مسئله می‌شوند. چراکه بسیاری از بیماری‌های یاد شده در صفحات قبل میان مردان و زنان مشترک است.

ب) خداوند متعال تکلیف هر کسی را به اندازه وسع و توان او می‌خواهد. همان‌طور که فرموده است: «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» (۶؛ بقره: ۲۸۶). خداوند کسی را بیش از توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. اما از طرف دیگر قاعده فقهی که مبنای آن بر عقل و وحی است، می‌گوید: «ما لا یدرک کله لا یترک کله» آنچه را که تمام آن قابل انجام نباشد، تمام آن ترک نمی‌شود و به‌هرمیزان که مکلف توان انجام آن را داشته‌باشد باید انجام دهد (۷).

در این مسأله نیز مکلف نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار جلوگیری کند، اما می‌تواند از پخش آن و آلوده شدن لباس و بدن خود جلوگیری کند و این وظیفه را با به‌کاربردن کیسه و پنبه که در روایات آمده (و در حال حاضر پوشک کودکان و یا بزرگسالان همین کار را انجام می‌دهد) به‌جا آورد.

وظایف فرد سلس البول

لزوم معالجه:

از آنجاکه این بیماری برای انسان ایجاد حرج و سختی می‌کند و در بسیاری از موارد توفیق بسیاری از عبادات

را از انسان گرفته و باعث می‌شود وظیفه عبادی را به‌طور ناقص صورت گیرد؛ لازم است فرد مبتلا، در صورت امکان خود را معالجه کند (۵، ۸)

لزوم نماز خواندن در زمانی که حداقل مانع را به همراه داشته باشد:

وظیفه افراد سلس البول موقتی و دائم برای انجام عبادت نماز، هریک به شرح زیر است:

«اگر انسان بیماری دارد که بول او قطره‌قطره می‌ریزد چنانچه یقین دارد، که از اول وقت نماز تا آخر آن به‌مقدار وضوگرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می‌کند بخواند و اگر مهلت او به‌مقدار کارهای واجب نماز است باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را به‌جا آورد و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید؛ و اگر در بین نماز چند دفعه بول از او خارج می‌شود وضوی اول کافی است.» (۵، ۸).

البته برخی از فقها گفته‌اند در صورتی که حرجی نباشد و بتواند، باید در وسط نماز وضو بگیرد. اما اگر وضوگرفتن بعد از هر دفعه برای او سخت است، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند باید برای هر نماز یک وضو بگیرد و اگر نتواند هر مقدار از نماز را با وضو بخواند، می‌تواند چند نماز را با یک وضو بخواند مگر اینکه اختیاراً بول یا غائط کند و یا چیز دیگری که وضو را باطل می‌کند پیش‌آید (۹).

خلاصه آن که، اگر انسان می‌داند که در قسمتی از وقت نماز بول او قطع می‌شود، باید نماز را در آن زمان در حالت طهارت جسم و روح به‌جا آورد؛ هرچند به‌دلیل کوتاه بودن آن زمان مجبور شود از مستحبات بکاهد. اما اگر این‌گونه نباشد، باز دو حالت متصور است: حالت اول اینکه می‌تواند قسمتی از نماز را با وضو بخواند، در این صورت باید برای هر نماز یک وضو بگیرد (و برخی گفته‌اند بنابه احتیاط واجب و برخی بنابه احتیاط مستحب در صورتی که برای او حرجی نباشد، در بین نماز نیز تجدید وضو کند) و حالت دوم اینکه بول به‌طور مکرر خارج می‌شود و حتی قسمتی از نماز نیز نمی‌تواند با وضو باشد؛ در این صورت یک وضو برای چند نماز کفایت می‌کند (و حداقل برای دو نماز

که به صورت جمع می‌خواند همان‌طور که در روایات به آن امر شده بود).

لزوم عدم سرایت نجاست به دیگر قسمت‌های بدن همان‌طور که پیش‌ازین نیز متذکر شدیم، قواعد عقلی و شرعی می‌گوید، اگر امکان انجام همه اجزای یک کار وجود ندارد، حداقل موارد ممکن باید انجام شود. این قاعده به‌صورت‌های مختلف در احادیث آمده، که یکی از عبارات‌های مربوطه را در این مقاله آوردیم. عبارت دیگری که در روایات آمده، این است: «لا یسقط المیسور بالمعسور» یعنی آنچه به آسانی انجام می‌شود به‌خاطر آنچه مشکل است ساقط نمی‌شود. و از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل است که فرمودند: «إذا امرتکم بشیء فأتوا منه ما استطعتم» هرگاه شما را به کاری امر کنم، هر مقدار که می‌توانید انجام دهید (۱۰).

حال در مسأله مورد بحث، از آنجاکه شخص نمی‌تواند بدن و لباس خود را به‌طور کامل برای نماز پاک و مطهر نگاه دارد و نجس شدن محل خروج بول و پنبه و کیسه (پوشک) اجتناب‌ناپذیر است، حداقل باید با استفاده از وسیله‌ای (کیسه، پنبه یا پوشک) از سرایت نجاست به جاهای دیگر بدن و لباس جلوگیری کند. براساس همین قاعده عقلی و شرعی برخی از فقها لزوم تعویض کیسه و پنبه و تطهیر بدن را برای هر نماز لازم دانسته‌اند، مادامی که منجر به عسر و حرج (سختی) نشود (۵).

بیان برخی از وظایف مسلوس در قالب سؤال و جواب ۱- آیا شخص مسلوس حق مس کتاب قرآن و اسامی مبارکه خداوند متعال و دیگر اسماء مقدسه را دارد؟ پاسخ: فتاوی فقهای قدیم و جدید در این مسأله مختلف است (و شاید علت اختلاف نبود روایت گویایی در این زمینه باشد و فقها به‌خاطر اینکه حکم مسأله را از امارات و اصول عملیه اخذ کرده‌اند، با هم اختلاف نظر دارند)؛ مثلاً مرحوم طباطبایی یزدی گفته است: و فی جواز مس کتابت القرآن للمسلوس و المبطون بعد الوضوء للصلاة مع فرض دوام الحدث و خروج بعد اشکال حتی حال الصلوة الا این یکون المس واجباً. ترجمه: در جواز لمس نوشته قرآن برای مسلوس و مبطون بعد از وضوگرفتن برای نماز، در صورتی که حدث (غیراختیاری) مستمر باشد، اشکال

است؛ حتی در حالت نماز [نیز اشکال دارد] مگر اینکه این لمس واجب باشد (منظور این است که نماز خواندن به جهت وجوبش صحیح است اما لمس نوشته قرآنی چون واجب نیست اشکال دارد) (۵).

آیات عظام، نجفی مرعشی، شاهرودی، خوانساری، شریعتمداری، رفیعی نیز همین نظر را دارند. الا اینکه مرحوم آیات عظام خویی و خمینی چه در حال نماز و چه خارج آن قائل به جوازند (البته به شرط اینکه حدث اختیاری سرنزده باشد) و امام خمینی (ره) رعایت احتیاط را توصیه کرده‌اند. (۵)

۲- شخص مسلوسی که از این بیماری نجات یافته، آیا لازم است نمازهایی را که در حال بیماری خوانده قضا کند؟

پاسخ: خیر، در علم اصول، اگر کسی عبادات خود را بر طبق وظایف ظاهری انجام دهد این انجام کفایت می‌کند و نیاز به تکرار ندارد (۱۱).

فقه‌های عظام نیز فتویٰ به عدم لزوم تکرار عمل داده‌اند: لا یجب علی المسلوس و المبطون قضاء ما مضی من الصلوة بعد برئهما. نعم الظاهر وجوب اعادةهما اذا برء فی الوقت و اتسع الزمان للصلوة مع الطهارة. ترجمه: بر مسلوس و مبطون قضای نمازهایی را که قبل از صحت کامل خوانده واجب نیست. بله اگر در داخل وقت، بیماری او معالجه شد، تنها نمازهای همان زمان را تکرار کند (۸).

۳- آیا مسلوس حق دارد در حالت عادی (غیر نماز) به سمت قبله بنشیند یا بایستد؟

قبل از پاسخ، در تقریر سؤال می‌گوییم، در فقه اسلام روبه‌قبله بودن در همه حالات ایستاده، نشسته، در حال خوردن و آشامیدن و دعا کردن و... مستحب است؛ اما در حال تخلی و نعوذ حرام است. حال سؤال این است که با توجه به اینکه مسلوس دائماً به‌طور غیراختیاری در حال تخلی (خروج بول) است، آیا روبه‌قبله بودن او مثل بقیه مردم جایز بلکه مستحب است یا به‌خاطر داشتن حالت تخلی غیرارادی حرام است؟

پاسخ: مرحوم صاحب جواهر به این فرع پاسخ داده و ادله را ظاهر در عدم حرمت می‌داند (۷). اما نگارنده براین نظر است که چون در اینجا مسئله میان استحباب و حرمت می‌چرخد، احتیاط اقتضا دارد که مسلوس

جانب حرمت را ترجیح داده و استقبال قبله به‌خاطر استحبابش را رها سازد؛ به یقین خداوند متعال ثواب این استقبال را به او می‌دهد، چراکه او به نیت اطاعت از خداوند متعال، استقبال را ترک کرده تا گرفتار جانب حرمت نشود.

۴- حکم کسی که نذر کرده همیشه با وضو باشد پس از بروز این حالت (تقطیر بول) چیست؟

پاسخ: فقه‌های عظام در این مسئله دارای سه رأی هستند: الف) من نذر ان یکون علی الوضوء دائماً إذا صار مسلوساً او مبطوناً الاحوط تکرار الوضوء بمقدار لایستلزم الحرج. ترجمه: کسی که نذر کرده که دائماً وضو داشته باشد، چنانچه مسلوس یا مبطون شود؛ احتیاط واجب آن است که وضو را تکرار نمایید، به‌مقداری که به حرج و مشقت نیفتد (۵).

ب) و یمنکن القول بانحلال النذر و هو الاظهر. ترجمه: و شاید بتوان گفت که این نذر منتفی می‌شود و این نظر قوی‌تر است (۵).

ج) اما آیات عظام خمینی، خوئی، و قمی قول دیگری را اختیار کرده‌اند و گفته‌اند: و الأظهر عدم لزومه و عدم انحلال النذر لأن وضوء المسلوس و المبطون لایبطل مالم یصدر منهما غیرما ابتلیا به من الاحداث. ترجمه: نظر قوی‌تر آن است که لزومی ندارد این شخص به‌طور دائم وضوی خود را تکرار کند و قول به انحلال نذر نیز مورد قبول نیست. چراکه مسلوس و مبطون وضویشان مثل دیگر افراد سالم باطل نمی‌شود. مگر در صورتی که اختیاراً از آن‌ها حدثی سرزند (۵).

به‌نظر می‌رسد نظر سوم از صلابت و قوت بیشتری برخوردار باشد. چه‌اینکه نظر اول مستلزم حرج و مشقت است. در حالی که دین اسلام دین یسر و عدم حرج است. قول به انحلال نذر نیز پاک کردن صورت مسأله است. بنابراین براساس قاعده میسور که در صفحات قبلی به آن اشاره شد، قول سوم حد وسط میان این دو است.

۵- با توجه به خروج دائمی بول از شخص مسلوس، آیا مبادرت به خواندن نماز بلافاصله پس از گرفتن وضو واجب است؟

پاسخ: صاحب عروة الوثقی این کار را واجب می‌داند: «یجب علیه المبادرة الی الصلوة بعد الوضوء بلا مهله»؛

ترجمه: واجب است بلافاصله پس از وضو به انجام نماز اقدام کند. اما مرحوم نجفی مرعشی این وجوب را برای افرادی می‌داند که یا مهلتی برای خواندن نماز بدون خروج بول دارند و یا حداقل خروج بول آن‌ها در چند زمان است. اما کسانی که خروج بولشان مستمر و دائمی است بر آن‌ها لازم نیست. مرحوم خوئی به‌طور کلی این مبادرت را لازم نمی‌داند چراکه معتقدند حدث اختیاری، وضوی مسلوس را باطل می‌کند نه غیراختیاری (۵).

نگارنده نیز با توجه به عدم عسر و حرج نظر سوم را ترجیح می‌دهد؛ اما باید اضافه کنیم که در روایات وضو به‌عنوان نور معرفی شده، «و الوضوء علی الوضوء نور علی نور» (۳)؛ لذا همان‌طور که تکرار و تجدید وضو برای فرد سالم مستحب است، این استحباب به طریق اولی برای شخص مسلوس وجود دارد. به‌علاوه آنکه لزوم تطهیر بدن و کاستن از میزان نجاست بدن و پوشک و... اقتضا دارد که به هنگام اراده نماز، این امور انجام شود مگر آنکه شخص در سفر باشد و یا حالات ویژه‌ای او را از انجام وضو و تطهیر قبل از نماز منع کند.

۶- شخصی که قدرت نگهداری بول ندارد، آیا می‌تواند در نماز جمعه شرکت کرده و خطبه‌ها را گوش کند؟ و با عمل به وظیفه شخص مسلوس، نماز جمعه و عصر را بخواند؟

پاسخ: شکی در امکان شرکت فرد در نماز جمعه نیست و تردیدی در اینکه اگر فرد اندکی قبل از برگزاری نماز وضو بسازد و نماز را با وضوی نزدیک نماز بخواند وجود ندارد. اما آیا می‌تواند در خانه خود وضو بگیرد و سپس خطبه‌ها را گوش بدهد و با همان وضو نماز جمعه و عصر را بخواند؟ به‌نظر می‌رسد با توجه به اهمیت نماز جمعه و اهمیت استماع به خطبه‌ها و از طرف دیگر نبود عسر و حرج در دین و وجود فتاوی فقهای بزرگی مثل مرحوم خوئی که مبادرت به نماز را پس از ساختن وضو برای فرد مسلوس واجب نمی‌دانستند و ابطال وضوی مسلوس را با حدث اختیاری می‌دانستند و...، جواب این سؤال نیز مثبت باشد. البته هرچه انسان بتواند با نزدیک شدن به نماز تطهیر جسمی و روحی (تطهیر یا کاستن از نجاست

بدن و پوشک و وضو گرفتن) را انجام دهد بهتر است اما باید به حد عسر و حرج و مشقت نرسد و این مسأله خود باعث نشود که فرد اصل نماز جمعه را به خاطر این سختی ترک گوید.

۷- آیا شخص مبتلا به این بیماری می‌تواند امامت جماعت را عهده دار شود؟

پاسخ: مرحوم طباطبایی یزدی پس از برشماری شرایط امام جماعت می‌نویسد: «بل الظاهر جواز امامه المسلوس و المبطنون لغيرهما فضلاً عن مثلهما»؛ ترجمه: ظاهراً مسلوس و مبطنون می‌توانند برای غیرمسلوس و مبطنون امامت کنند چه رسد به امامت افرادی مثل خودشان (۵). مرحوم صاحب جواهر نیز در این زمینه می‌نویسد: «ضرورة جواز الايتمام بالمتميم و من تعذر عليه ازالة النجاسة عن ثوبه او بدنه و ذی الجبائر و غیر ذلک، بل و المسلوس و المبطنون کما فی الموجز و کشف الاقتباس لاطلاق الادله من غیر معارض ...»؛ ترجمه: شکی در جواز امامت فردی که به‌جای وضو تیمم کرده و کسی که از ازاله نجاست بدن یا لباس خود شرعاً معذور است و کسانی که دارای طهارت جبیره‌ای هستند (اعم از وضو و غسل و تیمم جبیره‌ای) و... نیست، بلکه شکی در جواز امامت مسلوس و مبطنون وجود ندارد... چراکه اطلاق ادله و نبودن معارضی برای این اطلاق همین را گواهی می‌دهد (۷).

نگارنده می‌گوید: اینکه مرحوم نجفی اطلاق ادله را مطرح می‌کند به جهت آن است که با تفحصی که در کتب روایی انجام شد، در روایات باب نماز جماعت اثری از حکم مسلوس و مبطنون یافت نشد (۱۲-۱۵، ۳) بنابراین حکم اولی و اصلی جواز، به‌قوت خود باقی می‌ماند. البته برخی از فقهای عظام بنا بر احتیاط واجب این امامت را جایز ندانسته‌اند (۸). با توجه به اینکه انسان در موارد احتیاط واجب می‌تواند به فتوای مراجع اعلم دیگر مراجعه کند بنابراین در مجموع جواب حکم مورد سؤال جواز خواهد بود.

۸- شخصی که کنترل ادرار ندارد، چنانچه با این وضع عازم مکه باشد، آیا واجب است در میقات مُحرم شود یا می‌تواند بدون احرام به مکه برود؟ و به‌طور کلی

تکلیف طواف و نماز طواف که جزئی از وظایف عمره و حج تمتع است چگونه ادا می‌شود؟

پاسخ: در جواب این سؤال، فقهای بالاتفاق فتوی داده‌اند که فرد باید مُحْرَم شده و سپس به وظیفه فرد سلس البول عمل کند، یعنی باید پیش از طواف عورتین را تطهیر کرده و به وسیله کیسه پنبه‌ای یا پارچه (پوشک) از سرایت نجاست به بدن جلوگیری نماید (۱۶، ۱۷). اما یکی از فقهای معاصر وظیفه شخص مُحْرَم را روشن‌تر و با احتیاط نزدیک‌تر بیان نموده است:

«اگر بین طواف و نماز، فقط چند مرتبه انگشت‌شمار از او حدث سومی زند ظرف آبی به همراه داشته باشد و وقتی حدث سرزد در مطاف یا خارج از مطاف وضو بگیرد و طواف را ادامه دهد. اما اگر حدث پی‌درپی ایجاد می‌شود، به شکلی که وضو گرفتن برای هر دفعه بسیار مشکل است، برای طواف یک وضو و برای نماز طواف یک وضو بگیرد، لکن برای طواف و نماز نایب هم بگیرد... و اگر پوشک (وسيله‌ای که جهت عدم سرایت نجاست استفاده می‌کند) دوخته است و مرد مُحْرَم از آن استفاده می‌کند، کفاره بدهد هر چند ناچار به استفاده از آن باشد.» (۱۸).

نگارنده می‌گوید: دو ملاحظه در اینجا قابل توجه است؛ یکی اینکه احترام کعبه و حرم مکی اقتضا دارد که هیچ‌کس بدون احرام از مواقیت عبور نکند، و نیز اصل محرم شدن نیازمند طهارت جسمی یا روحی نیست؛ بنابراین هر انسانی می‌تواند محرم شود حتی فرد جنب و حائض، اما خروج از احرام در عمره تمتع در گرو انجام طواف و نماز آن است. در عمره مفرده علاوه بر این وظیفه، طواف نساء و نماز آن نیز اضافه می‌شود و شرط صحت طواف و نماز، داشتن طهارت لباس و بدن، و طهارت روحی است؛ از این‌جاست که سلس البول باید دقت لازم را به خرج دهد. هرچه عمل او به احتیاط نزدیک‌تر باشد بهتر است. چراکه او یقین دارد که محرم شده، اما شک می‌کند که از احرام خارج شده یا نه؟ بنابراین باید حداکثر وسع خود را در این زمینه مصروف دارد. ملاحظه دوم این‌که از محرمات احرام برای مردان، استفاده از لباس دوخته است؛ لذا اگر کیسه و پوشکی که شخص سلس البول برای خود استفاده می‌کند دوختنی باشد اگرچه به‌خاطر ضرورت،

وی مرتکب معصیت نشده، اما براساس متون روایی و فقهی باید کفاره بدهد و کفاره آن ذبح یک گوسفند است (۱۹).

نکته پایانی

در پایان مقاله و قبل از بیان نتیجه‌گیری و ارائه خلاصه مقاله، نکته‌ای اخلاقی که از آیات و روایات برگرفته است تقدیم می‌دارم.

تردیدی نیست که شخص سلس البول نسبت به فرد سالم وظیفه‌ای سنگین‌تر و پرزحمت‌تر برعهده دارد؛ اما باید بداند که خداوند متعال کار و تلاش و زحمت هیچ انسانی را ضایع نمی‌سازد «إنی لا أضيع عمل عامل منکم» من کار هیچ یک از شما را ضایع نمی‌سازم (۶؛ آل‌عمران: ۱۹۵). و در روایات آمده که «أفضل الأعمال أحمزها» یعنی برترین عبادت‌ها سخت‌ترین آن‌هاست؛ همچنین در متون فقهی آمده که: «قد ورد فی حقها انها من الباب التي يفتح منها ألف باب، یعنی در حق افرادی این‌گونه وارد شده که، این‌ها مشمول دری هستند که از آن هزار در گشوده می‌شود» (۷). به عبارت دیگر این‌ها مشمول این جمله نغز هستند که «خداگر ز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید در دیگری» بلکه درهای دیگری از رحمت و مغفرت و کرامت خداوند شامل حال این عزیزان خواهد شد. چراکه اگر آن‌ها به وظیفه خود عمل کنند مصداق صابران خواهند بود که خداوند وعده پاداش بلاحساب آن‌ها را داده است:

إنما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب، به تحقیق پاداش صبرپیشگان بی حساب خواهد بود (۶؛ زمر: ۱۰).

نتیجه‌گیری

در مقدمه مقاله گفته شد اگر تعداد افراد مسلوس در گذشته کم بوده، در عصر ماشین این بیماری در افراد بیشتری وجود دارد؛ لذا لازم است احکام فقهی این افراد را بیان کرد. سپس روایات معدودی که در زمینه وظایف عبادی سلس البول بود نقل و بررسی شد. سه وظیفه فرد سلس البول را که عبارت بودند از: لزوم معالجه، نماز خواندن در زمانی که حداقل نجاست را به‌همراه داشته و تلاش برای عدم سرایت نجاست به دیگر قسمت‌های بدن؛ در سایه روایات و فتاوی

در مراکز درمانی که با افراد مسلوس سر و کار دارند، بخش فرهنگی و یا روابط عمومی آن مرکز، بروشوری جهت معرفی وظایف عبادی این افراد تهیه کند و در اختیار آن‌ها قرار دهد. این بروشور می‌تواند علاوه بر شرح وظایف عبادی، حاوی توصیه‌های اخلاقی و نیز دستورات و توصیه‌های پزشکی نیز باشد که به کار بستن مجموع آن‌ها کار درمان را راحت‌تر و سریعتر می‌گرداند.

دانشمندان قدیم و معاصر علم فقه یعنی مراجع تقلید مطرح گردید. سپس برخی از وظایف شخص مسلوس در قالب هشت سؤال و جواب ارائه شد؛ و در نهایت بیان گردید در دنیایی که خداوند آن را پر از بلاها آفریده «دار بالبلاء محفوفه» این مسأله نیز یکی از بلاهایی است که فرد مبتلا لازم است در قبال آن صبر کند و وظایف خود را به خوبی انجام دهد و مطمئن باشد که خداوند متعال اجر و پاداش او را ترضیع نخواهد کرد. این نکته می‌تواند به‌عنوان نتیجه مقاله شمرده شود و پیشنهاد زیر تکمیل‌کننده آن باشد:

References

1. Jabal Ameli z. Al-ruze albahie fi sharh allom'a al-dameshghia. 2nd d. Najaf: Najaf Organization; 1977. [Arabic]
2. Shirazi S. Sharh tabsere almote'alemin fi ahkam aldin. Qum: Mehr Publiation; 1985. [Arabic]
3. Ameli H. Vasayel Al-Shia. 6th ed. Rabani Shirazi A, editor. Tehran: Almaktaba Aleslamia; 1994, pp: 210-265. [Arabic]
4. Mousavi Khomeini R. Tahrir Alvasile. 1st ed. Beirut: Dar Al-anvar; 1982, pp:15-31. [Arabic]
5. Tabatabai Yazdi M. Alorva Al-vosgha. 2nd ed. Beirut: Elmi Organization; 1988, pp: 272-723. [Arabic]
6. Holy Quran. Qum: Alhadi. 2003.
7. Najafi MH. Javaher Al-kalam. 1st ed. Beirut: Almortaza International Organization; 1991, pp:262-441. [Arabic]
8. Bani Hashem Khomeini M. Rulings of Jurists. 1st ed. Qum: Center for Islamic Publications; 1997, pp: 175-744. [Persian]
9. Helli M. Sharaye al-islam fi masael al-halal va al-haram. 2nd ed. Qum: Esmailian; 1987, pp:15-6. [Arabic]
10. Farahi A. Research on Islamic jurisprudence rules. Tehran: Imam Sadiq Uuniversity; 2011, pp:781. [Persian]
11. Khorasani MK. Kefaya alosul. 2nd ed. Beirut: Al-beit Organization; 1894, pp:84-5. [Arabic]
12. Sadough M. Man la yahzorohu alfaqih. 1st ed. Tehran: Sadough; 1990, pp:30-42. [Arabic]
13. Tousi M. Tahzib alahkam. 4th ed. Ghafari A, editor. Tehran: Dar Al-kotob Al-eslamie; 1997, pp:422-424. [Arabic]
14. Tousi M. Al-estebasar. 4th ed. Tehran: Dar Al-kotob Al-eslamie; 1997, pp:55-7. [Arabic]
15. Majlesi MB. Behar Al-anvar. 3rd ed. Beirut: Dar Ehya; 1982, pp:364-75. [Arabic]
16. Makarem Shirazi. Ayatollah Makarem shirazi [Internet]. Available from: <http://www.makarem.ir>
17. Nouri Hamedani. Ayatollah Noori Hamedani [Internet]. Available from: <http://www.noorihamedani.com/fa>
18. Sobhani J. Ayatollah Sobhani [Internet]. Available from: <http://www.tohid.ir/fa>
19. Mousavi Khomeini R. Manasek haj. 2nd ed. Tehran: Dar Al-hadith; 1995, pp:141-2. [Persian]